

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

فرستنده: پری قدمی

گرفته شده از وبسایت "روزشادی"

## نامه پیرزن به خدا

یک روز کارمند پستی که به نامه‌هایی که آدرس نامعلوم دارند رسیدگی می‌کرد متوجه نامه ای شد که روی پاکت آن با خطی لرزان نوشته شده بود **نامه‌ای به خدا !**

با خودش فکر کرد بهتر است نامه را باز کرده و بخواند. در نامه این طور نوشته شده بود:

خدای عزیزم بیوه زنی هشتادوسه ساله هستم که زندگی ام با حقوق نا چیز باز نشستگی می‌گذرد. دیروز یک نفر کیف مرا که صد دلار در آن بود دزدید.

این تمام پولی بود که تا پایان ماه باید خرج می‌کردم. یگشنبه هفته دیگر عید است و من دو نفر از دوستانم را برای شام دعوت کرده‌ام، اما بدون آن پول چیزی نمی‌توانم بخرم. هیچ کس را هم ندارم تا از او پول قرض بگیرم. تو ای خدای مهربان تنها امید من هستی به من کمک کن ...

کارمند اداره پست خیلی تحت تاثیر قرار گرفت و نامه را به سایر همکارانش نشان داد. نتیجه این شد که همه آنها جیب خود را جستجو کردند و هر کدام چند دلاری روی میز گذاشتند. در پایان نودوشش دلار جمع شد و برای پیرزن فرستادند ...

همه کارمندان اداره پست از اینکه توانسته بودند کار خوبی انجام دهند خوشحال بودند. عید به پایان رسید و چند روزی از این ماجرا گذشت، تا این که نامه دیگری از آن پیرزن به اداره پست رسید که روی آن نوشته شده بود:

**نامه‌ای به خدا !**

همه کارمندان جمع شدند تا نامه را باز کرده و بخوانند. مضمون نامه چنین بود :

خدای عزیزم، چگونه می‌توانم از کاری که برایم انجام دادی تشکر کنم. با لطف تو توانستم شامی عالی برای دوستانم مهیا کرده و روز خوبی را با هم بگذرانیم. من به آنها گفتم که چه هدیه خوبی برایم فرستادی ... البته چهار دلار آن کم بود که مطمئنم کارمندان اداره پست آن را برداشته‌اند!!...